



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

ضمانت اجرای نقض موازین حقوق بشری مرتبط با متهم در حقوق کیفری ایران

مظاهر خواجهوند^۱ ID، مینا جعفری^۲ ID

۱. عضو هیأت علمی، گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ضمانت کیفری موازین حقوق بشری مهم از موضوعات مهم و محل بحث و نظر است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این مهم پرداخته شود که قانونگذار، چه ضمانت اجرایی برای صیانت و حمایت از این حقوق پیش‌بینی کرده است.

مواد و روش‌ها: مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که در حقوق کیفری ایران ضمانت اجرای برخی موازین حقوق بشری مرتبط با متهم مانند نقض منع شکنجه، نقض ترک فعل و دستورات مقام قضایی، نقض حقوق اشخاص تحت نظر، نقض قرارهای تأمین کیفری، نقض استقلال و بی‌طرفی بازپرس و قاضی و نقض حریم خصوصی مجازات‌های حبس، انفصال و محرومیت از خدمت تعیین شده است، اما خلأهایی نیز مانند فقدان ضمانت اجرا برای برخی حقوق مانند حق دسترسی به وکیل نیز وجود دارد که زمینه تضییع حقوق متهم را فراهم می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: موازین حقوق بشری مرتبط با حقوق متهم بسیار آسیب‌پذیر است، لذا لازم است حقوق شهروندی از ضمانت اجرای لازم کیفری برخوردار بوده و در مواردی مانند حق دسترسی به وکیل نیز ضمانت اجرای مناسب تدوین شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

واژگان کلیدی:

ضمانت اجرا

حقوق بشر

متهم

بی‌طرفی قاضی

حریم خصوصی

* نویسنده مسؤؤل:

مینا جعفری

آدرس پستی: ایران، ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات ساری.

کد پستی: ۴۸۱۶۱-۱۹۳۱۸

تلفن: ۰۳۳۱۷۵۳۳۳-۱۱

پست الکترونیک:

mjafari@gmail.com

۱. مقدمه

تضمین رعایت موازین حقوق بشری و آزادی‌های شهروندان یکی از وظایف مهم دولت‌هاست. در همین حال بهره‌گیری از ابزارهای کیفری از سازوکارهای مهم جهت مجازات ناقضان این حقوق است. همین امر ممکن است نوعی تعارض میان رعایت موازین حقوق بشر و در عین اجرای قوانین ایجاد نماید. ضمانت اجرای حقوق بشر از اهمیت دوچندانی برخوردار است، زیرا تضمین امنیت، آزادی و کرامت انسانی مد نظر است و خواستگاه جهانی دارد. آنچه مسلم است اینکه نقض حقوق بشر ضمانت اجرای کیفری لازم دارد، اما جرم‌انگاری خود شدیدترین مداخله در حقوق بشر بوده و می‌تواند مهم‌ترین نقض حقوق بشر از سوی دولت به شمار آید. بنابراین باید از توجیه مناسبی برخوردار باشد. اهمیت و ضرورت این موضوع با توجه به امکان سوءاستفاده دولت‌ها و مداخله بیش از حد در حقوق و آزادی‌های افراد، در پوشش یا به بهانه حمایت روشن‌تر می‌گردد. حقوق متهم، از جمله موضوعات محل تلاقی حقوق بشر و حقوق کیفری است. حقوق متهم در جهان امروزه تفاوت و تحولات بسیاری نسبت به گذشته داشته است. به عبارتی حقوق متهم، از جمله حوزه‌های محل بحث از منظر موازین حقوق بشر و حقوق شهروندی است که تاکنون تحقیق‌های متعددی در خصوص آن انجام شده است. قانون آیین دادرسی کیفری در ایران حقوق متهم را به رسمیت شناخته است و سعی بر آن داشته که حقوق متهم را رعایت کند، مانند اینکه متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهامی که به او نسبت داده شده آگاهی یابد و متهم باید حق دسترسی به وکیل داشته باشد، اما بحث ضمانت اجرای نقض موازین حقوق بشری مرتبط با حقوق متهم، از جمله موضوعاتی است که مورد اغفال واقع شده است، البته تحقیق‌های متعددی در زمینه ضمانت کیفری حقوق بشر انجام شده، اما به بحث ضمانت کیفری نقض حقوق متهم نپرداخته‌اند. پریسا کاظمی و اکبر بشیری، در مقاله‌ای، سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران را بررسی کرده‌اند (۱). رضا نصیری و حامد سوده مکارم، در مقاله‌ای به بررسی ضمانت اجرای حقوق بشر در اسلام پرداخته‌اند (۲).

محمدرضا ساکی نیز ضمانت اجرای کیفری جرائم علیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را بررسی کرده است (۳). جنبه نوآوری مقاله حاضر این است که در مقاله پیش رو بر ضمانت کیفری نقش حقوق متهم متمرکز شده است و در تحقیق‌های انجام‌شده، نقض حقوق بشر به صورت کلی مد نظر بوده و عمدتاً با رویکرد حقوق بین‌الملل انجام شده است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح می‌شود، این است که آیا قانونگذار برای تضمین این حقوق تدابیری اندیشیده است؟ به عبارتی چنانچه حقوق متهم که در قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قرار گرفت نادیده گرفته شود، قانونگذار به عنوان ضمانت اجرا چه واکنشی را تجویز کرده است؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «در حقوق کیفری ایران برای نقض حقوق متهم ضمانت کیفری اندیشیده شده است، اما در برخی موارد نارسایی‌هایی نیز وجود دارد.» مقاله حاضر درصدد بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره بوده و در همین راستا، ابتدا به بحث تعامل حقوق بشر و حقوق کیفری پرداخته و در ادامه مصادیق تضمین رعایت حقوق متهم مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نتیجه‌گیری بیان شده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که در حقوق کیفری ایران به ضمانت اجرای موازین حقوق بشری مرتبط با متهم توجه شده و در خصوص حقوق دفاعی متهم مانند نقض منع شکنجه، نقض ترک فعل و دستورات مقام قضایی، نقض حقوق اشخاص تحت نظر، نقض قرارهای تأمین کیفری، نقض

جامعه دولت به عنوان واضع قوانین که موجد حق هستند مسؤول ایجاد چنین حقوقی است و از طرفی دیگر نقش بعدی دولت اجرای همین قوانین است و نهایتاً نقش دوم او نظارت بر چگونگی اجرای حقوق است، به ویژه آن دسته از حقوق که توسط مردم اجرا می‌شود که بایستی نهادی بر اجرای صحیح نظارت داشته و با موارد نقض آن حقوق مقابله نماید. تضمین اجرای حقوق در جامعه و به طریق اولی حقوق شهروندی همیشه نیازمند ضمانت اجراست، زیرا داشتن ضمانت اجرا از اوصاف بارز قواعد حقوق است. ضمانت اجرا وسیله جلوگیری از تجاوز به حق و اجبار به رعایت آن است که یا به صورت پیشگیری از تجاوز به حق و یا به شکل اجبار مدیون به اجرای حق و جبران خسارات صاحب حق خود را نشان می‌دهد (۷). بر اساس اصول قانون اساسی قوه قضاییه نه تنها خود ملزم به رعایت و عدم نقض آزادی‌های مشروع همه مردم می‌باشد، بلکه وظیفه گسترش آن در سطح جامعه و تضمین عدم نقض آن و برخورد با متخلفین را بر عهده دارد. از طرفی این قوه از به خطرافتادن حقوق شهروندی نیز باید جلوگیری کند، همچنانکه مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه نه تنها وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین را به عهده داشته، بلکه مکلف به انجام اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم نیز می‌باشد (۸). گذر از دوران تاریک انتقام شخصی و دادگستری خصوصی و پیدایش دادگستری عمومی مستوجب آن است که نهادی در جامعه به وجود آید که بتواند به نمایندگی از آحاد مردم از حقوق آن‌ها دفاع نموده و در صورت نیاز به قوای قهریه متوسل شود و عدم توجه به این امر مهم سبب می‌شود هر کسی شخصاً دست به کار شده و حق خود بازستاند. می‌توان گفت هدف اصلی در قوه قضاییه آن است که اجرای قوانین را به نحو مطلوب تضمین نماید. بنابراین گذشته از اینکه تصدی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی با دستگاه قضایی است، نظارت بر حفظ حقوق شهروندی در دستگاه قضایی نیز وظیفه اصلی این سیستم است (۹).

حقوق کیفری و ضمانت اجراهای خاص آن، به دنبال تضمین اساسی‌ترین ارزش‌های حاکم بر روابط اجتماعی افراد و واکنش در برابر بزه کاری و هنجارشکنی آنان است. بر مبنای سیاست

استقلال و بی‌طرفی بازپرس و قاضی و نقض حریم خصوصی مجازات‌های حبس، انفصال و محرومیت از خدمت تعیین شده است، البته خلأهایی نیز مانند فقدان ضمانت اجرا برای برخی حقوق مانند حق دسترسی به وکیل نیز وجود دارد که زمینه تضییع حقوق متهم را فراهم می‌کند.

۵. بحث

۵-۱. تعامل حقوق بشر و حقوق کیفری

حقوق بشر حقوقی است که با تولد انسان محقق می‌شود مستقل از حکومت‌ها و قدرت‌هاست. حقوق بشر حقوقی از آن همه انسان‌هاست و چون همه انسان‌ها اعضای جامعه بین‌المللی هستند و در انسان بودن، مشترک‌اند، حقوقشان باید در همه جا یکسان اجرا شود و بین افراد در برخورداری از آن تفاوتی نباشد (۴). حقوق بشر به طور کلی «آزادی‌ها، مصونیت‌ها و منافعی است که از طریق ارزش‌های پذیرفته‌شده معاصر، تمام انسان‌ها باید قادر به ادعای آن باشند. این حقوق بنیادین یا طبیعی‌اند. به عبارت دیگر همه افراد از این نظر که انسان‌اند از حداقل حقوقی برخوردارند که ربطی به تابعیت، مذهب، نژاد یا جنسشان ندارد و دولت‌ها در روابط بین‌المللی میل دارند که این حداقل حقوق را رعایت کنند (۵)، چنانچه بخواهیم مهم‌ترین ویژگی‌های حقوق بشر به معنای امروزی آن بیان کنیم، به یقین «جهان‌شمولی» در صدر قرار می‌گیرد. ماده ۵۵ منشور ملل متحد این آرمان را چنین بیان کرده با توجه به ضرورت ایجاد ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی [...] سازمان ملل اموری را تشویق کرده است. یکی از آن امور عبارت است از احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر و آزادی‌های همگان بدون توجه به نژاد، جنس، زبان یا مذهب (۶).

یکی از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. وجود هر حقی در جوامع نیازمند سازوکاری است تا از آن حمایت گردد، زیرا در

قرار داده است، وجود دارد. این تکلیف قانونی با ضمانت اجرای کیفری همراه شده است. به عنوان مثال بر اساس ماده ۶۰۶^۱ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.

۵-۲. مصادیق ضمانت اجرای نقض موازین حقوق بشری

مرتبط با متهم

مصادیق ضمانت اجرای نقض موازین حقوق بشری مرتبط با متهم عبارت‌اند از:

۵-۲-۱. ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم از فربه‌ترین مباحث حقوق بشر است و در اسناد حقوق بشری متعدد بدان توجه جدی شده است. با نگاه به اسناد حقوق بشری (به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) می‌توان گفت که حقوق دفاعی متهم صرفاً جهت محاکمه عادلانه و عدم تعرض به فرض بی‌گناهی پیش‌بینی شده‌اند. مفهوم دادرسی عادلانه که در ماده ۱۴^۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدان اشاره شده است، همه حق‌های متهم و تضمین‌های راجع به آن را در یک ماده جمع کرده و به مجموعه آن دادرسی عادلانه اطلاق کرده‌اند.

قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲، در مواد ۱ الی ۷، اصول حاکم بر این قانون را در زمینه حقوق شهروندی متهم، به عنوان سرلوحه مقررات خود، مورد تأکید قرار می‌دهد. مخاطب رعایت این اصول و مقررات، مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی هستند که در فرایند دادرسی

کیفری، تلاش می‌شود طیف گسترده‌ای از اقدامات و تدابیر کیفری توسط قانونگذار پیش‌بینی و به کار گرفته شود تا در برابر نقض قواعد و هنجارهای مورد پذیرش جامعه، پاسخ مناسب و واکنش بایسته و شایسته اتخاذ شود. بدیهی است جرم‌انگاری و تعیین پاسخ کیفری در برابر نقض ارزش‌ها، نشانه اهمیت آن‌ها در اجتماع و جایگاه آن‌ها نزد قانونگذار است، به گونه‌ای که در چارچوب سیاست جنایی، قانونگذار بالاترین و مهم‌ترین پاسخ و واکنش را در مقابل عدم احترام و نقض آن‌ها مقرر داشته است. این حمایت کیفری از ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دارای دو اثر مختلف، اما همسوست؛ از یکسو، به‌طور مستقیم به صیانت و حمایت از آن قاعده و ارزش مورد پذیرش در اجتماع می‌پردازد که هدف جرم‌انگاری و تقنین بوده است و از سوی دیگر، به‌طور غیر مستقیم، از سایر اصول و قواعدی که با این ارزش اجتماعی در ارتباط قرار می‌گیرند، حمایت می‌نماید. این حمایت اخیر را می‌توان حمایت تبعی نامید. یکی از مهم‌ترین اصولی که در دادرسی‌های کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی دنبال می‌شود، اصل کشف حقیقت است. هدف دعوای کیفری، کشف حقیقت و دستیابی به مجرم واقعی به منظور اعمال مجازات‌های قانونی است. همکاری شهروندان با دستگاه قضا، همان‌گونه که نشانگر مقبولیت و اعتماد مردم به این نهاد خواهد بود، کشف حقیقت و اعاده نظم به اجتماع را تسهیل می‌نماید، هرچند قانونگذار اشخاص عادی را به همکاری با دستگاه قضا و اعلام جرم مکلف ننموده است و شهروندان بر اساس تمایلات درونی و اخلاقی خود اقدام می‌نمایند، نسبت به مقامات و مسؤولین، چنین تکلیفی وجود دارد. بر اساس مقررات آیین دادرسی کیفری، مقامات و اشخاص رسمی موظف‌اند به هنگام برخورد با امر جزایی در حوزه کاری خود، موضوع را به دادستان اعلام نمایند و به منظور تسهیل کشف حقیقت، دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آن‌ها برای تحقیق امر جزایی لازم است را به درخواست مرجع قضایی رسیدگی‌کننده ابراز نموده و در دسترس آن‌ها بگذارند. این وظیفه همچنین نسبت به وکیل یا اشخاصی که متهم، نوشته‌های خود را که مؤثر در کشف جرم است، در اختیار آنان

^۱ «هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسؤولین سازمان‌ها و مؤسسات ... که از وقوع جرم ... در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام ننمایند، علاوه بر حبس به انفصال موقت محکوم خواهند شد.»

^۲ «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.»

مداخله دارند، مانند مطلع یا شاهد. این اصول و قواعد، برگرفته از قانون اساسی و منطبق با موازین حقوق بشری است.

ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حداقل ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر را مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ اعلام کرده است. ماده ۵۷۰ اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی فردی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» مجازات مزبور حداقل ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر از حیث سلب آزادی یا حقوق تصریح‌شده مقرر در قانون اساسی است (۱۰)، زیرا به موجب ماده ۷ در صورتی که نقض حقوق مزبور مستوجب مجازات شدیدتری باشد، همان مجازات باید مورد حکم قرار گیرد.

۵-۲-۲. ضمانت اجرای نقض منع شکنجه

بر اساس ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی‌توان مورد شکنجه و آزار یا رفتارهای خشن، غیر انسانی یا موهن قرارداد» مبنا و اساس این حق، همان‌گونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، حیثیت و مقامی است ذاتی بشر که همه افراد خانواده بشری باید آن را درباره یکدیگر بشناسند. طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی هرگاه پلیس قضایی برای اینکه فرد تحت نظر را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت (۱۱). اهمیت و فلسفه تأسیس این ماده چه در قانون مجازات

عمومی و قانون تعزیرات سابق، همین بس که اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل ۱۳۸ و ۳۹) را به خود اختصاص داده و ممنوعیت هرگونه شکنجه را پیش‌بینی نموده است، اما ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی که مجازات شکنجه کردن را معین کرده، فقط به عبارت «اذیت و آزار بدنی» اشاره نموده است و همین امر این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که از نظر قانون مجازات ایران تنها شکنجه بدنی و جسمی (شکنجه مادی) جرم و قابل مجازات است. این‌گونه تردیدها ادامه داشت تا اینکه قانونگذار با تصویب قانون منع شکنجه در ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۱ به آن خاتمه داد و انواع شکنجه‌های روحی و روانی را نیز داخل در تعریف شکنجه قرار داد. در ماده ۱ این قانون آمده است: «موارد مذکور در این قانون در حکم شکنجه بوده و اعمال آن ممنوع است: ۱- هرگونه اذیت یا آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن؛ ۲- نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی؛ ۳- چشم‌پندزدن به زندانی در محیط زندان و یا بازداشتگاه؛ ۴- بازجویی در شب؛ ۵- بی‌خوابی دادن به زندانی؛ ۶- انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی می‌شود؛ ۷- فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین و یا تحقیر زندانی هنگام بازجویی یا غیر آن؛ ۸- استفاده از داروهای روان‌گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان بیمار؛ ۹- محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات ضروری؛ ۱۰- نگهداری زندانی در محل‌هایی با سر و صدای آزاردهنده؛ ۱۱- گرسنگی و یا تشنگی دادن به زندانی و رعایت‌نکردن استانداردهای بهداشتی و محروم کردن زندانی از استفاده از امکانات مناسب بهداشتی؛ ۱۲- طبقه‌بندی‌نشدن زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک؛ ۱۳- جلوگیری از هواخوری روزانه زندانی؛ ۱۴- ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور؛ ۱۵- ممانعت از

^۱ مطابق اصل ۳۸ این قانون «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

^۲ هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرکننده» مصوب سال ۱۹۸۴ است. امروزه بر اساس قوانین اساسی بیشتر کشورهای دنیا، ارتکاب شکنجه، به خصوص برای اخذ اقرار، اعتراف یا اطلاع ممنوع است. قانون اساسی ایران نیز همسو با قوانین دیگر کشورهای جهان و معاهدات بین‌المللی و البته نظر مشهور فقهای شیعه، موضع مشابهی را اتخاذ کرده است. به این ترتیب ارتکاب شکنجه هم از دیدگاه حقوق جزای بین‌الملل، هم از نظر حقوق جزای تطبیقی، هم از دیدگاه حقوق جزای اسلام و هم از نظر حقوق جزای ایران، عملی مطرود و ممنوع است.

۵-۲-۳. ضمانت اجرای نقض ترک فعل و دستورات مقام

قضایی

در مواردی که ضابطین دادگستری وظیفه‌ای را بر عهده دارند، اگر از انجام وظیفه خودداری نمایند و ترک این وظیفه موجب خسارت دیگری شود در این صورت مسؤولیت جبران آن را بر عهده دارند. به عنوان مثال عدم کمک پلیس به شهروندی که در معرض ارتکاب جرم توسط دیگری قرار گرفته است. در این مورد یا پلیس خود شاهد ارتکاب عمل مجرمانه بوده یا مجنی علیه از او استمداد نموده است، ولی نامبرده از اقدام لازم امتناع کرده است. مطابق بند «ث» ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری «جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.» به موجب بخشی از ماده ۴۴ «ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست‌آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند» (۱۲).

همچنین طبق ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری مکلف هستند تا در اسرع وقت نسبت به دستورهای صادره و تکمیل پرونده اقدام نمایند تا نقصی در تحقیقات مقدماتی به وجود نیاید. حال اگر ضابطان از

ملاقات هفتگی یا تماس زندانی با خانواده‌اش؛ ۱۶- فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده وی؛ ۱۷- ممانعت از ملاقات متهم با وکیل خود؛ ۱۸- ممانعت از انجام فرایض مذهبی. همان‌گونه که مشهود است، قانونگذار مصادیق متعددی از شکنجه‌های معنوی را در کنار شکنجه‌های مادی مورد توجه قرار داده است. ماده ۴ این قانون نیز مقرر می‌دارد: «تمامی اقرار و اعترافات که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده باشد و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد، در صورت وجودنداشتن ادله و قراین قابل قبول دیگر، از درجه اعتبار ساقط و از عداد دلایل خارج خواهد بود.» در همین زمینه، ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشعار می‌دارد: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی کند و اقرار او صریح و موجب هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قراین و امارات نیز مؤید این معنا باشند، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌کند و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعان و متهم نموده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می‌کند.» تنها موردی که در قوانین کیفری ایران انکار پس از اقرار مؤثر دانسته شده، اقرار به زنا است که موجب قتل یا رجم است که با انکار بعدی، حد رجم و قتل ساقط می‌شود. به هر حال مطابق قوانین جزایی ایران اقرار بر اثر اکراه و تهدید (شکنجه) چه در مرحله گزارش اولیه مأموران و ضابطان دادگستری باشد، چه در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا نزد بازپرس یا دادیار یا دادستان و چه در مرحله صدور حکم و محاکمه نزد قاضی من بیده‌الحکم (قاضی نشسته)، فاقد اثر است و بی‌اعتبار خواهد بود. نتیجه‌گیری: در زمان‌های قدیم شکنجه نه تنها ممنوع نبوده است، بلکه معمول‌ترین راه برای کسب اقرار از متهمان محسوب می‌شده و در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار داشته است، اما به مرور ایام، منع شکنجه ابتدا در تمدن‌های شرق و ادیان الهی و سپس در قوانین کشورهای اروپایی مورد تأکید قرار گرفت و حتی به معاهدات بین‌المللی راه یافت. مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد شکنجه «کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و

بازجویی، تاریخ و ساعت معرفی به قاضی و تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن در دفتر مخصوص.

- عدم شماره‌گذاری اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده و مفردنکردن تعداد اوراق در ارسال گزارش به مقام قضایی (۱۵).

بی‌اعتباری تحقیقات پلیسی به علت نقض موازین دادرسی منصفانه از جمله حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، در زمره ضمانت اجراها محسوب می‌شود و در صورت عنایت مقامات انتظامی و قضایی گامی بسیار مهم در حمایت از حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به دو مصداق از ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر در تحقیقات پلیسی پرداخته شده است. این مصداق عبارت‌اند از: ۱- بطلان بازجویی‌ها؛ باید به بطلان به عنوان ضمانت اجرای موازین حقوق بشری در حقوق کیفری ایران اشاره کرد. «قاعده بی‌اعتبار ساختن ادله ناشی از روش‌های غیر قانونی به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راهکارها، در مقررات داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است» (۱۲). بر اساس این قاعده گزارش‌های ضابطان که از طرق غیر قانونی، نامتعارف و ناموجه، دلایلی را جمع‌آوری نموده و به مقام قضایی ارائه کرده‌اند، بی‌اعتبار محسوب می‌شود، لذا چنان ضابطان دادگستری، در جمع‌آوری ادله، موازین قانونی را رعایت نکرده و حقوق متهم را نقض کرده باشند، قاضی می‌تواند از ادله به دست‌آمده چشم‌پوشی کرده و حکم به بی‌اعتباری آن‌ها صادر کند. به صراحت ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پاسخ فرد تحت نظر به پرسش‌هایی که توأم با اجبار یا اکراه، کلمات موهن، تلقینی، اغفال‌کننده و خارج از موضوع اتهام، حتی اگر متضمن اقرار باشد، بی‌اعتبار است. همچنین عدم رعایت ضوابط تدوین بازجویی‌ها توسط پلیس قضایی به شرح ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ موجب بی‌اعتباری بازجویی‌های انجام‌شده خواهد بود؛ ۲- بطلان تحقیقات و اقدامات (۱۶) در صورتی که پلیس قضایی فاقد کارت ویژه مربوط به ضابطان دادگستری باشد، تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از ناحیه وی خواه مربوط به حقوق اشخاص تحت نظر و... آن، از نظر قانون بدون اعتبار است.

وظیفه‌ای که به آن‌ها محول شده و تکالیف و دستورات قضایی که به عهده دارند، به طور کامل از انجام آن‌ها خودداری کنند یا ضعیفی نشان دهند، مطابق با ماده ۶۳ به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود (۱۳). در نتیجه قانون صراحتاً ضمانت اجرای برای دستورات قضایی نیز پیش‌بینی کرده است.

۵-۲-۴. ضمانت اجرای نقض حقوق اشخاص تحت نظر

ضمانت اجرای انتظامی و بطلان از دیگر مصادیق حمایت از موازین حقوق بشری در حقوق کیفری ایران است. به عبارتی از حیث اهمیت رعایت حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، مقنن دو نوع دیگر ضمانت اجرای انتظامی و بطلان تحقیقات پلیسی را به لحاظ نقض حقوق مزبور مقرر داشته است. یکی از نوآوری‌های قانون دادرسی ۱۳۹۲، تعیین مصادیق تخلفات انتظامی پلیس قضایی در فرآیند دادرسی کیفری، از جمله تخلفات ناظر به نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر است. واکنش قانونگذار در قبال نقض حقوق دفاعی، مستند به ماده ۶۳ در هر یک از این مصادیق که ذیلاً بیان خواهد شد، محکومیت از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است. ناگفته نماند که تعیین یک نوع ضمانت اجرای انتظامی برای کلیه مصادیق تخلف که هر یک نسبت به دیگری می‌تواند از حیث آثار متفاوت باشد، قابل انتقاد است (۱۴).

مصادیق تخلف به شرح ذیل است:

- عدم اعلام مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرارگرفتن اشخاص به هر طریق ممکن ظرف یک ساعت به دادسرای محل.

- عدم اجرای درخواست فرد تحت نظر یا یکی از بستگان او برای انجام معاینه پزشکی در خصوص گزارش موضوع به دادستان برای اتخاذ تصمیم.

- عدم اعلام حقوق فرد تحت نظر به وی به صورت مکتوب و اخذ رسید و ضمیمه آن در پرونده.

- عدم ثبت اظهارات فرد تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو

داروی «تلخ» ولی «مؤثر» استفاده کند (۱۸). بر اساس ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، صدور قرار بازداشت جز در مورد جرائم ذکرشده در این ماده همراه با کفایت دلالت دلایل و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم، جایز نبوده و ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل را منوط به شرایطی از جمله امکان از بین رفتن آثار و ادله جرم در صورت آزادبودن متهم، بیم فرار یا مخفی شدن وی و ایجاد اختلال در نظم عمومی دانسته است. در صورتی که مقامات قضایی برخلاف ماده ۲۳۷ و عدم احراز شرایط ماده ۲۳۸، دستور بازداشت موقت کسی را صادر نمایند، بر اساس ماده ۵۷۵ ق.م.ا ۱۳۷۵ (تعزیرات)، با ضمانت اجرای انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال، رو به رو خواهند شد.^۱

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در پرونده فروکو علیه آلبانی^۲ این موضوع را مد نظر قرار داده و تصریح نموده است که بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شامل فهرست جامعی از ملاک‌های مجاز جهت محرومیت از آزادی است و هیچ‌گونه محرومیتی از آزادی غیر قانونی نخواهد بود، مگر اینکه بدون دستور قانونی دادگاه مبنی بر بازداشت متهم، عدم وجود سوءظن قوی برای بازداشت و ضرورت نداشتن بازداشت متهم باشد؛ اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول قرار وثیقه پس از قرار بازداشت موقت، شدیدترین قرار تأمین محسوب شده و در مواردی که مانعی برای بازداشت وجود دارد این قرار مورد استفاده قرار می‌گیرد. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۱۰۹۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۴، لزوم پذیرش وثیقه از جانب مقام قضایی را مد نظر قرار داده و تأکید نموده است، هرگاه متهم، وثیقه و یا وجه نقد موضوع قرار تأمین را آماده و حاضر نماید، مرجع قضایی باید آن را قبول و متهم را آزاد کند؛ در توقیف نگه‌داشتن متهم به علت تعطیل بودن بانک یا معاذیر دیگر قانوناً جایز نیست

افزون بر این ضابطان نیز همانند بازپرس مکلف‌اند که حق داشتن وکیل را به شخص در آغاز مرحله تحت نظر تفهیم کنند. عدم تفهیم این حق توسط ضابطان دادگستری در شروع تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضمانت اجرا ندارد و ضابطان را حتی با محکومیت موقت از انفصال خدمت موضوع ماده ۶۳ این قانون رو به رو نمی‌سازد. با وجود این، با توجه به تبصره ماده ۱۹۰ این قانون، این مسأله را می‌توان از جمله مواردی دانست که لطمه اساسی به حقوق و منافع متهم وارد می‌سازد. از این رو می‌توان اقدام‌های ضابطان را بدون رعایت تفهیم این حق اساسی بی‌اعتبار دانست.

۵-۲-۵. ضمانت اجرای نقض قرارهای تأمین کیفری

«سند توکیو» مصوب ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان، مهم‌ترین سند بین‌المللی تخصصی در قبال قرارهای تأمین کیفری حبس و جایگزین‌های آن است. در ماده ۲-۳ سند مذکور مقرر شده است که: «با هدف انعطاف‌پذیری بیشتر این قرارها، منطبق با شخصیت و سابقه متخلف، ماهیت و شدت تخلف و حمایت از بزه‌دیده، نظام عدالت جزایی باید طیف وسیعی از قرارهای غیر سالب آزادی، از جمله ارائه الزامات و دستوراتی برای پیش از محاکمه و پس از محکومیت را فراهم کند.» در حقوق کیفری ایران نیز به صورت مبسوط به قرارهای تأمین کیفری پرداخته شده است.

هدف از افزایش قرارها در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از یک طرف ایجاد زمینه‌ای در جهت اعمال قرارهای جایگزین بازداشت موقت و عدم استفاده از قرار توقیف احتیاطی در مواردی است که می‌توان تأمین سبک‌تری را برای متهم در نظر گرفت، از طرفی حفظ حقوق، کرامت انسانی و منزلت اجتماعی متهمینی می‌باشد که بعضاً بنا به دلایل واهی یا ناخواسته گرفتار شده و به دنبال خلأ قانونی‌ای که در زمینه قرارهای متنوع تأمین وجود دارد، روانه زندان می‌شوند (۱۷)، هرچند مقام قضایی باید حتی‌الامکان از جایگزین‌های بازداشت موقت استفاده کند و از محبوس کردن متهم امتناع ورزد، در مواردی تأمین عدالت و تضمین حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان و مخصوصاً شکات ایجاب می‌کند که قاضی از این

^۱ بر اساس نظریه ۷/۴۶۶۳ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۳، توقیف در زندان‌های اختصاصی و غیر قانونی نیز مشمول ماده ۵۷۵ می‌باشد.

^۲ Frroku v. Albania, 18 September 2018.

(۱۹). لازم به ذکر است که در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه‌گذار توسط بازپرس، ذکر علت آن در پرونده الزامی است. تخلف از این امر، محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا را به دنبال خواهد داشت.^۱

صدور قرار اخذ وثیقه یا کفالت، واجد جنبه قضایی و امری یک‌جانبه بوده که اراده متهم تأثیری در آن ندارد. در حالی که صدور قرار قبولی، قراردادی بین مقام قضایی، وثیقه‌گذار یا کفیل است که به موجب آن وثیقه‌گذار یا کفیل متعهد می‌شود، از تاریخ صدور قرار قبولی تا خاتمه دادرسی و صدور و اجرای حکم، هرگاه متهم در مواقع احضار از طرف مراجع کیفری بدون عذر موجه حاضر نشود، مال مورد وثیقه یا وجه الکفاله به نفع دولت ضبط گردد.^۲ قرار قبولی، ماهیتاً عقدی است که بین مقام قضایی و وثیقه‌گذار یا کفیل منعقد می‌گردد و همان‌گونه که وثیقه‌گذار یا کفیل تعهد به حضور متهم در مواقع احضار مراجع کیفری می‌نماید، متقابلاً مقام قضایی نیز مکلف است تودیع وثیقه‌گذار یا کفالت کفیلی که حائز شرایط کفالت است را قبول و متهم را آزاد نموده و از وی رفع توقیف نماید. در غیر این صورت مقام قضایی به استناد ماده ۵۷۵ ق.م.ا ۱۳۷۵ (تعزیرات)، مرتکب توقیف غیر قانونی گردیده و با ضمانت اجرای قانونی و انتظامی رو به رو خواهد شد.

علاوه بر این، از شاخص‌ترین ابزارهای جدید جهت تضمین حقوق متهمین در زمینه صدور قرارهای تأمین کیفری، تشکیل پرونده شخصیت متهمان است که در محدوده آیین دادرسی کیفری، از رهگذر ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شده است. بر اساس ماده ۲۵۰ قانون مذکور، مقام‌های قضایی موظف‌اند این موضوع و سایر معیارهای پیش‌بینی‌شده را جهت انتخاب و اجرای هر یک از قرارها مستدلاً در نظر گیرند و در صورت اخذ تأمین نامتناسب، مطابق با تبصره این ماده با ضمانت اجرای

^۱ ماده ۲۲۲ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲.

^۲ بر اساس ماده ۲۲۹ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲، تقاضای احضار متهم توسط کفیل یا وثیقه‌گذار، تنها در صورتی که حضور متهم به منظور تحقیقات، دادرسی یا اجرای حکم ضرورت داشته باشد، جایز شمرده شده است. ضمانت اجرای تخلف از این امر، محکومیت انتظامی درجه چهار در نظر گرفته شده است.

محکومیت انتظامی درجه ۴ به بالا رو به رو خواهند شد (۲۰). از آن جهت که وظیفه دادستان یا مقام قضایی است که برای جلوگیری از فرار متهم یا دسترسی به متهم، پنهان‌شدن متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از تبانی متهم با دیگران صدور قرار تأمین را صادر می‌کند و این کار حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند (۲۱) و از وظایف انحصاری وی می‌باشد، ضابطان هیچ اختیار و قدرتی از خود برای اخذ قرار تأمین ندارند و نیز مقام قضایی نمی‌تواند این اختیار را به ضابطان تفویض کند.

۵-۲-۶. ضمانت اجرای نقض استقلال و بی‌طرفی بازپرس و قاضی

در این قسمت به بررسی ضمانت اجرای نقض استقلال و بی‌طرفی بازپرس و قاضی پرداخته می‌شود.

۵-۲-۶-۱. ضمانت اجرای نقض استقلال و بی‌طرفی بازپرس

در اسناد حقوق بشر بین‌الملل، بر ضرورت استقلال نظام قضایی و قوه قضاییه تأکید شده است. بر اساس ماده ۵۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق بهره‌مندی از یک دادرسی عادلانه و علنی توسط یک مرجع مستقل و بی‌طرف، چه در دعاوی حقوقی و چه در دعاوی کیفری به طور مساوی خواهد داشت.» بند اول ماده ۵۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عبارتی مشابه به اعلامیه جهانی حقوق بشر به شناسایی حق مزبور و ضرورت استقلال مرجع قضایی پرداخته است. وجوب تأکید بر پاسداشت حقوق فطری و بنیادین متهم در فرآیند دادرسی عادلانه، مستلزم استقلال بازپرس از دادستان و متعاقباً متضمن حفظ بی‌طرفی بازپرس در روند دادرسی عادلانه خواهد بود. ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲^۳ گواهی بر اثبات این خاستگاه عادلانه

^۳ ماده ۹۳ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.»

صرف نداشته و شروع تحقیقات، موقوف به ارجاع از جانب دادستان دانسته شده است.

۵-۲-۶-۲. ضمانت اجرای نقض استقلال قاضی

استقلال قاضی هرگز به معنای عدم نظارت بر عملکرد وی نیست، عدم اعمال نظارت قانونی و نبود مسؤلیت‌پذیری، ارمغانی جز فساد و سوءاستفاده از قدرت به همراه نخواهد داشت. قاضی در راستای رعایت استقلال، باید در برابر اقدام‌ها و اعمال ارتكابی به قانون پاسخگو باشد. آنچه مهم است، شیوه پاسخگویی و چگونگی اعمال مقررات مربوط به آن از طریق مراجع مربوط است تا ضمن رعایت استقلال قاضی، از خودسری و سوءاستفاده از قدرت ممانعت به عمل آید (۲۳).

به منظور جلوگیری از دخالت و اعمال نفوذ در اموری که در صلاحیت مراجع قضایی می‌باشد، ماده ۵۷۷ ق.م.ا. ۱۳۷۵ (تعزیرات) با جرم‌انگاری این موضوع، اختیار ممانعت از دخالت سایرین در امور قضایی را به قضات تفویض نموده است. بنابراین قاضی نمی‌تواند با ادعای نفوذ‌پذیری صرف و اجبار، به انجام اقدام خلاف قانون مبادرت ورزد. بر اساس تبصره ماده ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۵، اگر تخلف از قانون، عمدی و برای اجرای مقصودی، له یا علیه یکی از اصحاب دعوی یا به لحاظ پذیرفتن توصیه و مغلوب نفوذ شدن صورت گیرد و منتهی به تضییع حق یا تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد، مرتکب نسبت به اهمیت و شرایط ارتكاب، به یکی از مجازات انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شود. جهت محکومیت قاضی بر اساس ماده ۱۸ قانون مذکور، اعمال نفوذ باید منجر به تضییع حق، تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد. بدین ترتیب اگر اعمال نفوذ توسط سایرین صورت گیرد، ولی قاضی تحت تأثیر آن قرار نگیرد و در این راستا تخلفی قانونی از وی سر نزند، به دلیل عدم تطبیق با مصادیق ذکر شده در این ماده، محکومیتی برای قاضی دربر نخواهد داشت، از جمله موارد مطروحه در رابطه با اصل عدم نفوذ‌پذیری، می‌توان به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده شیموس اکینجی علیه ترکیه^۱ اشاره نمود^۱.

است. بر اساس بند «و» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱، دادستان به جز جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار داشت، در سایر جرائم دارای کلیه وظایف و اختیارات مقرر شده برای بازپرس بود. دایره شمول صلاحیت دادگاه کیفری استان، پرونده‌های معدودی را دربر می‌گرفت و متعاقب این امر، وحدت عملکرد تحقیقی بازپرس و دادستان در سایر جرائم، اصل بی‌طرفی و استقلال مراجع قضایی را خدشه‌دار می‌نمود. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، خطی مشی نوینی را در جهت تحدید اختیارات دادستان دنبال کرده است. در این راستا ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، عملکرد تحقیقی دادستان را منوط به عدم حضور بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی و خارج از محدوده جرائم موضوع ماده ۳۰۲ قانون مذکور دانسته است.

با این وجود، بازپرس به صورت مطلق مستقل نبوده و دادستان همچنان نقشی نظارتی و جهت‌دار در روند تحقیقات مقدماتی دارد. بر اساس ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است، بدون ابهام در پرونده درج کرده و تکمیل آن را می‌خواهد و در این صورت، بازپرس مکلف به انجام تحقیقات خواهد بود. تکلیف مذکور در متن ماده، از موارد استثنایی تحمیل نظر دادستان بر بازپرس و عدم امکان مخالفت با نظر اوست (۲۲).

لازم به ذکر است، تبصره ماده مذکور، امکان تسلط همه‌جانبه و مطلق دادستان بر روند تحقیقات را در نظر گرفته و با تعیین ضمانت اجرای مناسب، اختیارات دادستان را تحدید نموده است. بر این اساس، هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات توسط دادستان که ضرورتی در جهت کشف حقیقت نداشته باشد، محکومیت انتظامی تا درجه سه را در بر خواهد داشت، از جمله موارد دیگری که استقلال و به تبع آن بی‌طرفی بازپرس در مسیر تحقیقات مقدماتی را با تحدید مواجه می‌سازد، ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود، بازپرس برای آغاز روند تحقیقات اختیار

^۱ Sehmus Ekinci v. Turkey, 27 March 2018.

جرمانگاری کرده و برای آن ضمانت اجرا تعیین نموده‌اند. بر اساس ماده ۶۰۵ تعزیرات، هرگاه قاضی از روی عمد و غرض اقدام یا اظهاری نماید، هرچند تأثیری در حق یکی از طرفین نداشته باشد، سبب تحقق جرم خواهد شد. ظاهر ماده حکایت از آن دارد که عنصر مادی جرم با فعل مثبت محقق شده و ترک فعل نمی‌تواند عنصر تشکیل‌دهنده جرم مذکور باشد. از این رو چنانچه مأمور اداری یا قضایی از اقدام با اظهار نظر به نفع یکی از طرفین به نحو مغرضانه و برخلاف حق خودداری نماید، در شمول عمل ارتكابی وی نسبت به مقررات این ماده تردید وجود دارد، زیرا عبارات «اظهار نظر» و «اقدام» در این ماده ظهور در فعل مثبت دارد و نه ترک فعل (۲۳)، چنانچه وقوع تخلف به علت تقصیر شخص قاضی باشد، ضامن بوده و با اعلام شکایت کیفری و اعمال ماده ۶۰۵ تعزیرات، علاوه بر تعقیب جزایی، خسارت ناشی از جرم نیز با تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم به طرفیت قاضی مقصر قابل مطالبه خواهد بود و در صورت عدم اثبات تقصیر قاضی در محکمه انتظامی، دولت ضامن بوده و جبران خسارت وارده به عهده دولت است. در چنین فرضی دادخواست ضرر و زیان به طرفیت قوه قضائیه به مرجع قضایی تقدیم و بعد از صدور حکم و قطعیت آن، نسبت به پرداخت ضرر و زیان از بیت‌المال اقدام خواهد شد.

۵-۲-۷. ضمانت اجرای نقض حریم خصوصی

حفظ حریم خصوصی متهم، از جمله موضوعات مهمی است که مورد توجه اسناد حقوق بشری بین‌المللی قرار گرفته است. به دنبال پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و ماده ۱۲ که مستقیماً در رابطه با موضوع حریم شخصی است، شروط مشابهی در قرارداد بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر و سایر کنوانسیون‌ها و توافقات منطقه‌ای آمده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ چنین می‌گوید: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و در اصل ۱۲ نیز آمده نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی

در خصوص بی‌طرفی قاضی نیز باید گفت که اصل بی‌طرفی قاضی در دو حالت ذهنی و عینی نمود می‌یابد. عدم تمایل شخصی هر یک از اعضای دادگاه نسبت به طرفین دعوا، معیار ذهنی تلقی می‌گردد، در صورتی که معیار عینی بی‌طرفی قاضی، بار اثبات کمتری برای طرفین دعوا ایجاد می‌کند. برخلاف معیار ذهنی، ادعای عدم بی‌طرفی عینی در صورتی که تردید قانونی وجود نداشته باشد، فرضیه‌ای مثبت جهت اثبات ادعای عدم بی‌طرفی قاضی توسط شخص است، از جمله فرضیاتی که سبب تردید قانونی نسبت به عدم رعایت بی‌طرفی توسط قاضی می‌شود، عضویت قبلی قاضی در احزاب وابسته به یکی از طرفین دعوا، تلاش قاضی برای حضور در سطوح مختلف رسیدگی، هم‌پوشانی روابط خانوادگی - تجاری یا سایر روابط بین یکی از طرفین و قاضی و نگرش‌های مشابه نظیر وابستگی اعتقادی یکی از طرفین و قاضی می‌باشد.

بر اساس بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۵، خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضایی، مجازات انتظامی درجه هشت تا سیزده را دربر خواهد داشت. اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶۰۵ ق.م.ا. (تعزیرات)، بروز تخلف از جانب مقامات قضایی را

^۱ متقاضی قبل از اعزام به خدمت سربازی مبتلا به بیماری اسکیزوفرنی کاتاتونیک بود. با این وجود در تشخیص بیماری وی اشتباهی صورت گرفت و نامبرده به خدمت سربازی اعزام گردید. وی پس از سپری شدن دو ماه از خدمت سربازی، به دلیل تشدید بیماری و تشخیص اولیه نادرست آن، از وزارت دفاع ترکیه درخواست خسارت نمود. وزارت دفاع درخواست وی را رد کرد و رهرو آن، متقاضی به دادگاه عالی نظامی شکایت نمود. دادگاه با این استدلال که متقاضی قبل از خدمت سربازی مشکل حادی نداشته و پس از آن به دلیل عدم استفاده منظم از داروهای تجویز شده به وضعیت بدتری دچار شده، این ادعا را مردود و وی را مستحق دریافت غرامت ندانست. متقاضی درخواست تجدید نظر از دادگاه عالی نظامی برای تصحیح رأی صادره نمود، ولی درخواست تجدید نظر وی رد شد. متقاضی این رأی را نپذیرفت و با ادعای عدم استقلال و بی‌طرفی قضات دادگاه عالی نظامی در صدور رأی و عدم پذیرش درخواست تجدید نظر به دلیل اعمال نفوذ، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت نمود. دادگاه مذکور شکایت را وارد دانست و به استناد بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قضات دادگاه عالی نظامی ترکیه را فاقد استقلال و بی‌طرفی کامل تشخیص داد و متعاقباً دولت ترکیه را به پرداخت مبلغ ۱۵۰۰ یورو، به علاوه جبران و پرداخت سایر خسارت‌های ایجاد شده به متقاضی محکوم کرد.

حمله شود. در برابر چنین مداخله‌هایی برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است.

برخی از ضابطین اعم از نیروهای انتظامی، بسیج و... در موضوعات و چارچوب وظایف قانونی خود انجام وظیفه می‌نمایند. یکی از اقدامات نیروهای مذکور تفتیش و بازرسی خودروها در زمان و مکان‌های گوناگون می‌باشد، اما باید توجه داشت بر اساس قوانین موازین حقوق بشری، شهروندان از حقوق برخورداری که نمی‌توان آن‌ها را به هر بهانه‌ای محدود کرد و ایشان را بدون مجوز قانونی در زندگی عادی و رفتارهای روزمره خود مورد بازرسی و بازرجویی قرار داد. بیشترین تخلف در این خصوص ممکن است توسط ضابطان دادگستری و حین گشت‌زنی صورت گیرد. حکم قانون در این زمینه روشن و ممنوعیت هرگونه تفتیش و بازرسی اشخاص و اشیاء جز در موارد ارتکاب جرم مشهود یا اجازه موردی مقام قضایی است و این ممنوعیت واجد ضمانت اجرای کیفری انفصال موقت از خدمات دولتی است.

اصل ۲۲ قانون اساسی زندگی خصوصی افراد و مال آن‌ها را مصون از تعرض دانسته و هر کس حق دارد در مقابل این تعرضات از حمایت قانون برخوردار باشد. قسمت پایانی ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نیز به صراحت تفتیش اماکن و اشیاء در جرائم غیر مشهود می‌بایست با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد. این ممنوعیت هم در ماده ۵۵ و ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب، یعنی سال ۱۳۹۲ مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ کیفری مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلفاند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص و مکان‌های مرتبط با موضوع خودداری کنند.» در ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نیز تصریح شده: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.» بنابراین پاسخ سؤال با توجه به قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مذکور مشخص است و بر این اساس ایست و بازرسی

خودرو باید با اجازه مخصوص مقام قضایی صادر گردد. با بررسی قوانین مختلف مشخص می‌گردد که بازرسی و تفتیش اموال به عنوان یک اقدام در جهت کشف جرم تلقی که از وظایف ضابطین قضایی محسوب می‌گردد و نیاز به اخذ دستور مقام قضایی دارد و مطابق ماده ۵۷۸ اگر فردی برخلاف قانون بازداشت، توقیف یا تحت تعقیب قرار گیرد، این کار تخلف بوده و مجازات آن نیز انفصال دائم از خدمت و حتی محرومیت از مشاغل دولتی خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال مهم پرداخته شد که آیا قانونگذار برای تضمین این حقوق تدابیری اندیشیده است؟ نتایج بر صحت فرضیه مطرح‌شده دلالت دارد مبتنی بر اینکه علیرغم تدوین ضمانت کیفری نقض حقوق متهم، اما در برخی زمینه‌ها نارسایی وجود دارد. نتایج نشان داد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبانی و اصولی را مرتبط با حقوق شهروندی در اصل‌های مختلف مانند اصل ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی می‌توان یافت که به اهمیت و جایگاه رعایت حقوق شهروندی تأکید دارند و یا در مجازات‌های نقض حقوق شهروندی مستند به قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری عناوین مجرمانه‌ای از قبیل ورود به عنف به منزل غیر، توقیف و حبس غیر قانونی، نقض حقوق اشخاص تحت نظر و نقض قرارهای تأمین کیفری، ذکر گردیده که ضمانت اجرایی چون حبس و انفصال از خدمت نیز بر آن قرار داده است. از دیگر ضمانت‌های اجرایی می‌توان به بی‌اعتباری تحقیقات انجام‌گرفته توسط ضابطین اشاره کرد که بر این اساس در صورت فقدان رعایت شرایط قانونی تحقیق یا عدم توجه به اصول دادرسی و حقوق شهروندی این دسته از تحقیقات از صلاحیت و اعتبار لازم جهت پذیرش توسط مراجع قضایی برخوردار نمی‌باشند و مورد پذیرش واقع نمی‌شوند. این امر با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطابقت دارد، چراکه دو سند مذکور، مشروعیت دلیل و رعایت قانونی مشروعیت در تحصیل دلیل را به رسمیت شناخته و دلایل فاقد طریقیقت بی‌اعتبار

۹. تضاد منافع

پژوهش حاضر تضاد منافع ندارد.

اعلام کند. با این حال عدم تصریح نسبت به تعیین برخی از ضمانت اجراهای مشخص مانند فقدان ضمانت اجرا برای نقض حق دسترسی به وکیل، راه را جهت تحمیل دیدگاه مقامات و استبداد قضایی هموار ساخته است. در واقع عدم توجه قانونگذار نسبت به پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب از حیث اعتبار تحقیقات در صورت عدم تحقق دسترسی و در واقع سلب حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب، از نارسایی‌های ضمانت اجرای موازین حقوق بشری مرتبط با حقوق متهم است. فقدان یا ناکافی بودن راه‌های جبران خسارت ناشی از نقض حقوق فردی و ضعف یا نبود ضمانت اجراهای نقض حقوق را می‌توان مهم‌ترین عامل نگرانی نسبت به نظام عدالت کیفری در ایران به شمار آورد. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده پیشنهاد می‌شود قانونگذار در راستای تفکیک حدود وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری و نیز تأکید بر رعایت حفظ حقوق شهروندی از جانب ضابطین در هر شرایطی، خصوصاً در راستای انجام وظیفه و نیز تبیین ضمانت اجرای کیفری برای ضابطین در صورت تخطی از این مهم توجه و اهتمام بیشتر داشته باشد. همچنین ضابطین دادگستری باید تلاش و دقت لازم را در انجام دقیق و صحیح وظایف خود به عمل آورند تا اولاً در اثر سستی و مسامحه آن‌ها، نظم جامعه گسیخته نگردد و مجرمین احساس امنیت نکنند؛ ثانیاً با سخت‌گیری بی‌مورد و بی‌توجهی به قوانین، حقوق و آزادی‌های افراد تضییع نشود.

۷. تقدیر و تشکر

نویسندگان از کلیه اشخاصی که در راه گردآوری و تهیه پژوهش حاضر یاری رسانده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

۸. سهم نویسندگان

نگارش و تألیف به صورت همکاری میان مظاهر خواجوند و مینا جعفری انجام شده است.

نویسندگان از پژوهش معیارهای استاندارد نویسندگی بر اساس پیشنهادات کمیته بین‌المللی ناشران مجلات پزشکی را دارا هستند.

References:

1. Kazemi P, Bashiri A. Mechanisms for Ensuring Fundamental Human Rights in the Iranian Public Legal System. *Islamic Human Rights Studies*. 2017;8(16):119-40. (Persian).
2. Nasiri R, Makarem H. A Theoretical Reflection on Guaranteeing the Implementation of Human Rights in Islam. *Islamic Human Rights Studies*. 2013;2(4):141-61. (Persian).
3. Saki MR. Guarantee of Criminal Execution of Crimes against Human Rights and Humanitarian Rights. *Judicial Law Perspectives*. 2008(44-45):101-41. (Persian).
4. Zakerian M. Key Concepts of International Human Rights. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing; 2002. (Persian).
5. Henry LB. Sociology of Law, Translated by Abolfazl Ghazi. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran; 1991. (Persian).
6. Malcolm W. Globalization, Translated by Ismail Mardani Givi and Siavash Moridi. 1st ed. Tehran: Industrial Management Organization Publications; 2000. (Persian).
7. Katozian N. Non-Contractual Obligations (Compulsory Guarantee): Civil Liability. Tehran: University of Tehran Press; 2007. (Persian).
8. Arshadi AY. Constitutional Law and Description and Critique of the Iranian Constitution. 1st ed. Tehran: Sarmadi; 2003. (Persian).
9. Hashemi SM. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Mizan Publishing; 2005. (Persian).
10. Khaleghi A. Criminal Procedure. 17th ed. Tehran: Institute of Law Studies and Research, Danesh Shahr; 2014. (Persian).
11. Goldoost Joybari R, Abdollahi A. Obtaining the Last Defendant in Iranian Criminal Law. *Journal of Legal Research, Faculty of Law, Shahid Beheshti University*. 2013;6(50):255-78. (Persian).
12. Mohammadi Khoshkroudi M, Ahmadvand K. Guarantee of Execution of Civil Rights Violations by Officers in the Criminal Procedure Code of 1992. Tehran: First International Conference and Third National Conference on Management Research and Humanities; 2017. (Persian).
13. Khaleghi A. Criminal Procedure Code, its mayor. 2nd ed. Tehran: Shahre-e Danesh Publications; 2009. (Persian).
14. Zeraat A. Code of Criminal Procedure, Description of the Code of Procedure of Public and Revolutionary Courts in Criminal Matters. Tehran: Fekrsazan; 2013. (Persian).
15. Sadegh Manesh J. Judicial Officers. Tehran: Javadaneh Publishing; 2017. (Persian).
16. Summers SJ. Fair trials; the European criminal procedural tradition and European court of human rights, HART publishing. Oxford: Oxford University Press; 2007.
17. Gholamian Yousefabad A. Guaranteeing the Execution of Criminal Security Contracts in the Code of Criminal Procedure approved in 1392. First International Conference on Economics, Management, Accounting, Humanities and Islamic Banking; 2017. (Persian).
18. Assyrian M. Alternatives to Prison or Intermediate Punishment. Tehran: Trend Publishing; 2015. (Persian).
19. Agriculture A. Criminal Procedure. Tehran: Mizan Publishing; 2014. (Persian).
20. Mir Mohammad Sadeghi H, Ashuri M, Moazenzadegan H, Shamloo B, Eslami R. Principles of fair trial, from point of view to action. Tehran: Khorsandi Publications; 2016. (Persian).
21. Pourghahramani B, Rasouli V. The position of the accused's right to information about the evidence in criminal matters in Iranian and French law with emphasis on the Code of Judicial Procedure. *Detective Quarterly*. 2015;2(33):59-71. (Persian).
22. Khaleghi A. Notes on Criminal Procedure. Tehran: Institute of Legal Studies and Research, Shahr-e Danesh; 2017. (Persian).
23. Shamloo B, Shahram M. Violation of impartiality and lack of independence of the judge; Manifestations of Disruptive Action in a Fair Trial. *Legal Research Quarterly*. 2011;14(6):93-136. (Persian).

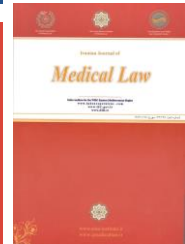


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Guaranteeing the Implementation of Human Rights Violations Related to the Accused in Iranian Criminal Law

Mazaher Khajvand¹ , Mina Jafari^{2*} 

1. Faculty Member of Law Department, Nowshahr Branch, Islamic Azad University, Nowshahr, Iran.

2. Master of Criminal Law and Criminology, Sari Science and Research Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 16 October 2021

Accepted: 30 January 2022

Published online: 17 February 2022

Keywords:

Enforcement Guarantee

Human Rights

Defendant

Judge Impartiality

Privacy

ABSTRACT

Background and Aim: Criminal guarantee of human rights standards is an important issue and a point of discussion. This article seeks to examine the fact that the legislature has provided an executive guarantee for the protection and protection of these rights.

Materials and Methods: The article is descriptive-analytical and uses the library method to study the subject and data collection has been done by referring to documents, books and articles.

Results: The findings of the study indicate that in Iranian criminal law, the guarantee of implementation of some human rights standards related to the accused, such as violation of the prohibition of torture, violation of acts and orders of the judicial authority, violation of the rights of detainees, violation of criminal security agreements, violation of independence and Impartiality of the investigator and the judge and violation of privacy are punishable by imprisonment, dismissal and deprivation of service. But there are also gaps, such as the lack of enforcement guarantees for some rights, such as the right of access to a lawyer, which allow the accused to be deprived of his rights.

Ethical considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Conclusion: It is necessary for citizenship rights to have the necessary criminal enforcement guarantees and in cases such as the right of access to a lawyer; a proper enforcement guarantee should be developed.

* Corresponding Author:

Mina Jafari

Address: Sari Science and Research
Branch, Islamic Azad University, Sari,
Iran.

Postal Code: 19318-48161

Telephone: 11-33175333

Email: mjafari@gmail.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Khajvand M, Jafari M. Guaranteeing the Implementation of Human Rights Violations Related to the Accused in Iranian Criminal Law. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.